

از زنانِ پرده‌نشین تا بدن‌های رام



از زنانِ پرده‌نشین تا بدن‌های رام

مرضیه بهرامی برومند



سرشناسه: بهرامی برومند، مرضیه، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: از زنان پرده‌نشین تا بدن‌های رام / مرضیه بهرامی برومند.

مشخصات نشر: تهران: لوگوس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۴۹-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتاب‌نامه: ص. ۱۶۳.

موضوع: فمینیسم - ایران -- Feminism -- Iran

موضوع: فمینیسم -- Feminism

موضوع: پدرسالاری - ایران -- Patriarchy -- Iran

موضوع: زنان - ایران -- Women -- Iran

رده‌بندی کنگره: HQ ۱۷۳۵/۲

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵ / ۴۲۹۵۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۱۹۴۱۸۱

وضعیت رکورد: فیپا



از زنان پرده‌نشین تا بدن‌های رام

مرضیه بهرامی برومند

طراح جلد: مهدی پرستار شهری

ویراستار: مهدی وجدانی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۴۹-۱

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن،

صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

موبایل مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه آنلاین لوگوس

www.irlogos.com

تقدیم به پدر و مادرم

فهرست

۱. مقدمه ۱
۲. زنان پرده‌نشین، زنان نوگرا ۵
۳. بدن‌های رام ۲۹
۴. تأملی در مفهوم جنس و جنسیت ۴۵
۵. نظریه‌پردازان فمینیست ۵۱
۶. دیگری جنسیتی ۶۱
۷. فوکو و گفتمان جنسیت ۷۵
- زیست-سیاست ۸۱
- انضباط بدن ۸۵
۸. زندگی روزمره ۹۳
۹. بازنمایی فضا در زندگی روزمره ۱۰۵
- تولید فضای معماری ۱۰۵
- پرکتیس فضایی (ماتریالیسم) ۱۰۶
- بازنمایی فضا (ایدئالیسم) ۱۰۷
- فضای بازنمایی (اجتماعی) ۱۰۹
۱۰. فضای خصوصی و فضای عمومی ۱۱۵
۱۱. فضای خصوصی، مفهوم خانه و فضای خانگی ۱۲۵
۱۲. بازنمایی بدن‌های رام ۱۳۹
- منابع ۱۶۵

۱. مقدمه

در طول تاریخ، نظام «پدرسالاری» دغدغه و مسئله اصلی حوزه مطالعات جنسیت و زنان در جهان و ایران بوده است و حتی بسیاری از مسائل خرد و کلان را می‌توان در پرتو این انگاره تبیین نمود. با تأملی کوتاه بر تاریخ طولانی زندگی اجتماعی در ایران (از عهد باستان تا دوران معاصر) می‌توان روند شکل‌گیری، تحکیم یا تحول نظام اجتماعی و فرهنگی مردسالار را مشاهده کرد. فمینیست‌ها در مورد ریشه‌های مردسالاری تردید دارند اما تقریباً همگی با اطمینان خاطر نشان می‌کنند که مردسالاری به قدمت تمدن است.

در تاریخ عموماً زنان بنا به عرف از مشارکت سیاسی در حوادث و وقایع منع شده‌اند. برخی نظریه‌پردازان فمینیست دورنگه داشتن زنان از حضور اجتماعی را پدیده‌ای جهان‌شمول می‌دانند و استدلال می‌کنند که در تمام جوامع شناخته‌شده فعالیت‌های اجتماعی از آن مردان و فاعلیت‌های درون‌خانه و مربوط به خانواده از آن زنان بوده و این تفاوت به سرشت طبیعی نسبت داده شده است نه به فرهنگ. دوباره کردن نقش‌ها و دادن نقش‌های «خصوصی» به زنان و نقش‌های «عمومی» به مردان در دنیای کهن نیز بسیار وجود داشت. نوع مردان را با نظم، عقل، کنترل بر خویشتن، فعالیت و نیرومندی برابر می‌دانستند. زنان را در تمام این مقولات پست‌تر انگاشته‌اند. آنان مظهر احساسات و

جنون، بی‌نظمی و امیال لجام‌گسیخته، انفعال و ضعف بوده‌اند.

تقسیم‌بندی دوگانهٔ زنانه/مردانه را به‌وضوح در تاریخ ایران مشاهده می‌کنیم. هویت زن یا تابع هویت پدر است یا زیرمجموعه‌ای از هویت همسر. در گذشته، زنان را با نام خودشان صدا نمی‌کردند بلکه به نام «مادر بچه‌ها» یا «منزل» و در مواردی با استفاده از نام کوچک پسر ارشد خانواده صدا می‌کردند. گویی «من» زن در برابر اقتدار و حاکمیت مرد جایی برای جولان دادن و دیده شدن ندارد. مرد حاکم مطلق بوده است. در بخش وسیعی از ادبیات فارسی کهن، چه نثر و چه شعر، این مردان بوده‌اند که به درجهٔ عرفانی و الهی تعالی روح و جسم دست می‌یافتند و زنان یا در منزل می‌ماندند یا اینکه مانعی بر سر راه رشد مردان و رسیدن آنها به تعالی و کمال و عامل فتنه قلمداد می‌شدند.

زن اگر قرار است از نگاه ایدئولوژیک و اجتماعی نظام دوگانهٔ پدرسالاری در مقام باکره و اسطوره «تکریم» شود باید با موقعیت منفعل و نقش ضعیف خود همسان‌پنداری کند و اگر بخواهد فاعل جنسیتی و طالب آزادی و خودسری باشد، در مقام نافرمان و عاصی «تکفیر» خواهد شد. در این جوامع، زنان برحسب این تقابل به دو دستهٔ آرمانی و بی‌ارزش تقسیم می‌شوند. مردان نیز گرفتار این تصویر دوگانه می‌شوند و آن را به بدن و جنسیت زنان تحمیل می‌کنند. این تصویر دوگانه در دو نوع گفتمان وجود دارد؛ اول، گفتمان سنتی که به دلیل تأکید بر آموزه‌های سنتی و دینی و تقدم هویت جنسی بر هویت انسانی، به انتقاد از حضور و نمایش زنان در عرصه‌های عمومی می‌پردازد و آنان را از این کار بر حذر می‌دارد و دوم، گفتمان مدرن که زن مقلد و مصرف‌گرا به دنبال الگوی ایدئال و «دیگری» غربی دست‌نیافتنی است که البته هیچ‌گاه قادر نیست به آن دیگری برسد.

ایدئولوژی پدرسالار، در طول تاریخ، این دو شکل از تقابل دوگانهٔ هویت زنانه را حفظ کرده است و آن زن «دیگر»، زنی که بیش از این دو زن مقاومت کند، به اعماق ناخودآگاه فرو می‌رود و به حیات پنهانی خود ادامه می‌دهد. «مقاومت» در دو تصویر به کشمکش با بازنمایی زن می‌پردازد و نقش فعالی را از طریق ساخت لایه‌های متفاوت معنایی پی می‌گیرد و تلاش می‌کند با نشانه‌های معنایی ویژهٔ خویش ایدئولوژی پنهان گفتمان مسلط را بشکند یا دست‌کم ضربه‌هایی به «قدرت» آن وارد کند.

هدف این کتاب، بازخوانی این دو وجه از بازنمایی زن در دوران مدرن و سنتی است که با تحلیل آن شاید بتوانیم به فضاهای جدیدی برای اندیشیدن آشکال دیگر زیست اجتماعی در حوزه زنان و جنسیت دست پیدا کنیم که نشانی از مقاومت زنانه را داراست. برای شناخت جایگاه زن در جامعه سنتی ایرانی و نحوه زیست آنان در آستانه دوران مدرنیته باید به دوره قاجار توجه کنیم، چراکه اهمیت ویژه‌ای در تبیین برساختگی هویت جنسیتی زن در دوران معاصر دارد.

گفتمان سنتی و گفتمان مدرن و روشنفکرانه دو رویکرد ایدئولوژیک موجود در فضای فکری ایران هستند که از اواسط قرن نوزدهم میلادی با ظهور انواع بحث‌ها، گفت‌وگوها و تعارضات ملی‌گرایانه (تجدد) و اسلام‌گرایانه (سنت) همراه بود. این گفتمان‌ها از صدسال پیش تاکنون بر سر هویت جنسیتی و چگونگی برساختن زن و سیاست‌های مربوط به زن و مدرنیته به جدال پرداخته‌اند؛ در بیشتر سیاست‌ها و تغییرات اجتماعی و فرهنگی که بر سر زن و مفهوم زنانگی بوده، نه به خواسته زن ایرانی توجه شده است و نه به وضعیت حقیقی و نیازها و واقعیت زندگی او.

خواسته حقیقی زن ایرانی چیست؟ خواستی که تن و بدن و آگاهی او تحت سیطره نظام مردسالار عرصه‌ای برای کشمکش و نزاع ارزش‌های مردانه نباشد و سلطه بر آن، دلالت سیاسی نداشته باشد. باید این زن را رها از ارزش‌های مردانه کشف کرد و به دیدارش رفت. شاید این زن درون هر زن، در میدان نبرد و تنازع گفتمان نظام مردسالاری، مقاومت کرده و توانسته باشد از دیگر سازوکارهای سلطه و برساختن نظم و کنترل اجتماعی اجتناب و «خود» را حفظ کند. از این رو باید تنانگی و کارکردهای بدن و هویت جنسیتی زن را شکافت و از نو تعریف کرد. هر افقی در خلال فاصله‌گذاری و بازتعریف نسبت ما با بدن نه به مثابه ابژه‌ای منفعل بلکه همچون سوژه‌ای کنشگر در ساحت واقعی و انضمامی به دست می‌آید. مسئله‌ای که می‌تواند به رهایی و استقلال زن از گفتمان نظام حاکم و سلطه پدرسالاری کمک کند.

درون هر زنی، زن‌های بسیاری به انتظار دیده شدن نشسته یا خفته‌اند. هر زنی فقط یک زن نیست، چند زن است. چندین زن زنده و مرده در او زندگی می‌کنند. او بعضی

وقت‌ها خواهر، دختر، مادر، همسر و ... می‌شود و بعضی وقت‌ها هیچ‌یک از این نقش‌ها راضی‌اش نمی‌کند و در اعماق وجودش به دنبال زنی می‌گردد که فرسنگ‌ها با او فاصله دارد ولی می‌خواهد با آن یکی شود. زنی از درون صدایش می‌زند؛ زنانی که از یادها رفته و فراموش شده‌اند.

گذشته مدفون می‌شود اما از بین نمی‌رود و هر بار در هیئتی نو و در میان مناسباتی نو خود را بر ما ظاهر می‌کند. به شرطی که آن را به زمان حال فراخوانیم و از درون دالان‌های تاریخ تاریخ به او اجازه دیده شدن بدهیم. به این زنان گمشده در تاریخ اجازه بدهیم خود را بر ما آشکار و عیان کنند. کمی از نظام‌های غالب بازنمایی، ساختار موجود و حفظ نظام معنایی زنانگی فاصله بگیریم و اجازه بدهیم نوری بر آن دالان‌های تاریخ بتابد تا این زنان دیده شوند.

شانس و فرصت ملاقات با کدام‌یک از زنان خفته در ناخودآگاهمان در طول این زندگی کوتاه را خواهیم داشت تا درباره‌اش بدانیم و آگاه شویم! چقدر به او فرصت بیرون آمدن از اعماق درون را خواهیم داد؟ به کدام‌یک از این زنان خفته در خواب نزدیک‌تر خواهیم شد و خود را در آینه نگاه او خواهیم دید؟ آیا در موردشان مطالعه و تحقیق و پژوهش کرده‌ایم؟ در چه سمینارها، انجمن‌ها و کتاب‌ها درباره این زنان - که نه حاضر هستند و نه دیده می‌شوند - حرف می‌زنیم؟

به آرشیو خاک خورده از خیل عظیم پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه مطالعات جنسیت و زنان ایرانی که در گذشته می‌زیسته‌اند نگاهی بیندازیم، کدام در روشن و آگاهی را به روی ما گشوده‌اند؟ کدام کار تحقیقی از چشم‌انداز متفاوتی به جهان زنان در گذشته و امروز می‌نگرد و قصد دارد ابعاد جدیدی از این دنیای تاریک و تاریخ فراموش شده را به روی ما بگشاید که تابه حال گشوده نشده است؟ آیا می‌توانیم از دریچه نگاهی نو، زن دیگر را بشناسیم، بازتعریف و معرفی‌اش کنیم؟